



اعظم محمدی

# مطبوعاتوز

## به ما هم «بَنر» بدید!



معاون اول رئیس جمهور: عده ای دنبال زدن جیب ملت هستند.

که خالی است و ضایع می شوند، خخخخ



معصومه آقاپور (نماینده مجلس): بازار سکه با پذیرش FATF کنترل می شود.

آبریزش بینی هم با مرگ موش!



الهه کولایی: ایران شوروی نیست.

مردمش هم مردم ترکیه نیستن!



مشاور وزیر مسکن: چوپانها به شهر آمده اند.

با گوسفنداها یا بی گوسفنداها؟



زهره محقق (مستندساز): شهرداری از آن «بَنر» ها به ما هم بدهد.

مگه عاشق چشم و ابرو ته؟!



مدیر کل روابط عمومی وزارت نیرو: برق با شایعه تولید نمی شود.

با وعده چطور؟



وزیر اقتصاد: فهرست کامل دریافت کنندگان ارز دولتی را منتشر می کنیم.

لعنت به کار عجله ای!

# فیلم نوشت



## گوزنها

مسعود کیمیایی

مهدی سلمان

قسمتی که بهروز، ماجرای جاسوس شدن خودش را برای قدرت تعریف می کند: بهروز: از به چاقو کشی جلو بازار چه شروع شد. داستانش بلند... تو شلوعی دعوا، با به ضامن دار گردن کلفت، گذاشتیم تو کتف به نامحرم... به سال، چنول واسم بریدند... تو حبس به ازان بد نگفتم، خوش رفتاری کردم، ده ماهش کرس آکسر شد... همونجا بود به رفیق پیدا کردیم، بهش گفتیم چند ماه از حبست موند؟ گفت: سی سال... گفتیم: جرمت چیه؟ گفت: حرف... بهش گفتیم: ده امیرجون... اسمش امیرانتظام بود... نوکرت، پلوف... به حرف و اینهمه حبس... گفت: قاطی هم دار... گفتیم: قاطیش چیه؟ گفت: به جاسوسی جزمی اجزنی... خلاصه که مارم نشوند پای بساط...

ای تف به قبر جدو آبلش... به نطافتچی بپر داشتیم از نوجهای مصدق، اون برامون میاورد... انباری میاورد... میدونی که چیه؟ میزارن تو پلاستیک، میکتن اون تو... خوب دیگه کاسیبه... دهه... اینم که فیتیل نداره... آ بهروز در حال روشن کردن سمول برای درست کردن چای است و سماور فیتیلش تمام شده است! از حبس که اومدیم بیرون، دور و برمون خیلی می پلکیدن... برا ما که داداشمون تو ارتش بود، می رفتیم و می اومدیم، برا اینا شده بود آب زمزم... تو دوتا بست و منقل، کلکم رو کتند... مننه، آس... مننه، بی پول... بهم گفتن هر به برگی که از ارتش بیاری، به روز خودت دوا مجانی داری... اونجا بود که دیدم زرشک... نه اینشون به راهه، نه اونشون سربه راهه... جلو خودمو ول کردم...

# یک زار بده آس!

شاهرخ باپرامی

اخیراً آقای واعظی در حاشیه جلسه هیأت دولت، تعریفی را از مفهوم دوتابعیتی ارائه نمودند که اگر اهل علم خوب به آن دل بدهند این تعریف می تواند مسیر رشد علوم را برگ کند. ایشان فرمودند: «به کسی که دو کارت اقامت دارد در هیچ کجای دنیا دوتابعیتی گفته نمی شود» و اضافه کرده اند «با اینکه من گزارش تحقیق و تفحص مجلس را نخوانده ام ولی به نظر من آنها بحث دوتابعیتی و اقامت کوتاه مدت را مخلوط می کنند» با همین فرمان قصد داریم تا چند واژه یا اصطلاح را باز تعریف کنیم تا دستتان بیاید چه خبر است. دوشغله: به کسی که دو شغل دارد گفته نمی شود! ۲۷ شغله: رجوع شود به تعریف دوشغله! دوملخه: به هوابمایی که دو ملخ دارد گفته نمی شود. یعنی همینجا دلیل اصلی سقوط هوابماها معلوم می شود، هوابما در اصل یک ملخ دارد ولی الکی به خلبان می گویند دوملخه است، او هم روی حساب همین یک ملخ بیشتر، کم گاز می دهد... دوبویزه: غذایی که با دو پیاز درست نمی شود. با این وضع قیمتها، شاید اصلاً یک پیاز هم ندارد. دو زار بده آس: شما در این عبارت در اصل یک زار می دهید آس و به همین خیال می باشید که با مدیران دوتابعیتی برخورد شود.



امین شفیعی

# رادیوژن!

اگر در خانه انبار طلا دارم ژنم خوب است  
اگر صد وام بی چون و چرا دارم، ژنم خوب است

اگر در چند پرورنده همیشه مطرح منم  
اگر در هر فسادی ردپا دارم، ژنم خوب است

اگر تاسیس گردد شرکتی پربار در کشور  
در آن پستی خفن از ابتدا دارم، ژنم خوب است

اگر در پاسخ هر کس که مطرح می کند پرسش  
چک و تهدید و مشت و ناسزا دارم، ژنم خوب است

اگر یک حوض کوچک در حیاط خانه ات داری  
من اما چند استخر و سونا دارم، ژنم خوب است

اگر چه مشکلاتی می شود تصویب در مجلس  
دو سه تا مشت پر، مشکل گشا دارم، ژنم خوب است

حنای من اگر بی رنگ بی رنگ است باکی نیست  
که من از چین ترانزیت حنا دارم، ژنم خوب است

به محضی که مرا بر خوان بیت المال بنشانند  
دو - سه تا معده پر اشتها دارم، ژنم خوب است

سی و یک قطعه دندان طمع در فک چالاکم  
به جای نیش و پیش و آسیا دارم، ژنم خوب است

اگر دارم پدر یک جایگاه خوب در تاریخ  
من اما جای در جغرافیا دارم، ژنم خوب است

اگر دستی کشم بر مس از آن زر می کند فس فس  
درون دستهایم کیمیا دارم، ژنم خوب است

اگر از تویره سهمی و سهمی نیز از آخر  
سر و سری اگر با کدخدا دارم، ژنم خوب است

اگر از در کشم در، بیایم تو من از پستو  
برای خویش قانون بقا دارم، ژنم خوب است

شماژن ساده هستی و همیشه پشت کنکورید  
من اما پنچ - شش تا دکترا دارم، ژنم خوب است

مهمترین عامل رکود بازار مسکن چیست؟

مهمترین عامل رکود بازار مسکن چیست؟

محمد رضا رضایی

برخی واکنش ها به یکسری کنش ها

## خبرنگارا عشقن...

محسن هاشمی رفسنجانی بهرمانی در جواب خبرنگاری که پرسیده بود چرا برای شورا کولر گازی خارجی خریداری شده گفت: برای رعایت حال خبرنگاران جان، این کولرها را خریداری کردیم. این جواب منطقی، واکنشهای زیر را به دنبال داشت:

محمود صادقی: ای کاش آستان قدس هم یسد می گرفت و حداقل برای رعایت حال خبرنگاران هم که شده، از درهای اتیشی برای دستشویی ها استفاده می کرد (ما هم اونجوری ضایع نمی شدیم).

اسحاق جهانگیری: خبرنگاران عزیز، یادتون میاد در دولت قبل شما رو فوت هم نمی کردن که خنک شید، اما در این دولت براتون کولر خارجی می خرن. حالا باز برید



ویژه نامه طنز راه راه

کاری از باشگاه طنز انقلاب اسلامی

سر دبیر: بهزاد توفیق فر

دبیر سرویس شعر: زهرا فرقانی

دبیر سرویس کارتون: کامران یاری

مدیر فنی: امیر حسن محمدپور

صفحه بندی: مجتبی سالاری

طنزیم شوید!

رایانامه: info@rahrahtanz.ir

سروش: tanzym\_ir

ایته: tanzym\_ir

بله: tanzym\_ir



## ترجیحا خانم بارو رابط عمومی بالا

محمد امین میمندیان

سلام علیکم. مومنی هستم، برای آگاهی استخدامتون اومدم

+ سلام، ولی ما منشی با روابط عمومی بالا میخواستیم

بله خب من تو دانشگاه روابط عمومی خوندم!

+ به مدرک نیست که الان تو کما هم باشی مدرک غیر حضوری بهت میدن. سابقه کار چی داری؟

بنده ۶ سال منشی به شرکت مهندسی بودم. دیگه به علت جابه جایی منزل، مجبور شدم + بشماری خب. قابلیت های ویژه چی دارین؟

رتبه برتر مسابقات تایپ ۱۰ انگشتی دارم و به چهار زبان انگلیسی، اسپانیایی، فرانسه و عربی مسلطم.

سلام آقای برای استخدام اومدم + شما که آقای، ما خانم میخواستیم نوشته بودین ترجیحا خانم، نه که حتما خانم + خب الان ترجیحم خانمه. شما بفرمایید، ترجیحمون عوض شد تماس میگیریم باهاتون.

سلام آقای رئیس خوبین؟ من نازنینم برای منشی گری اومدم + به به چقدر اسمتون بهتون میاد. بفرمایید

